



پیش‌بینی مهارت های اجتماعی نوجوانان بر اساس سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار والدین

حسن شاهواروقی فراهانی^۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش‌بینی مهارت های اجتماعی نوجوانان بر اساس سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار والدین است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه نوجوانان (۱۲ تا ۱۷ سال) شهر تهران تشکیل می دهند که از این بین ۱۰۰ نوجوان که در سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیلی هستند به صورت نمونه گیری خوشه ای به این صورت که ابتدا شهر تهران به ۲ قسمت شمال و جنوب تقسیم می شود و سپس از هر منطقه ۵ مدرسه انتخاب می شود و در مرحله بعد از هر مدرسه ۲ کلاس انتخاب می شود و در مرحله آخر از هر کلاس ۵ دانش آموز به صورت تصادفی انتخاب شد. یافته های پژوهش نشان داد که ارتباط بین سبک فرزندپروری و مهارت های اجتماعی وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با سبک فرزند پروری والدین را با استفاده از مهارت های اجتماعی مورد پیش بینی قرار داد. ارتباط بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با مهارت های اجتماعی نوجوانان را با استفاده از طرحواره های ناسازگار اولیه مورد پیش بینی قرار داد.

واژه های کلیدی: مهارت های اجتماعی، سبک های فرزندپروری، طرحواره های ناسازگار

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
(Hassanfarahani@hotmail.com)



مقدمه

به مجموعه مهارت‌هایی که به فرد اجازه می‌دهند تا با دیگران ارتباط برقرار کند، مهارت‌های اجتماعی می‌گویند. رشد اجتماعی متضمن ارتباط سالم و منطبق با موقعیت است (کویرو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، همراه با رشد در سایر مهارت‌ها، پرداختن به جنبه‌های اجتماعی زندگی و کسب آمادگی‌های لازم برای برقراری رابطه سالم با دیگران، یکی از چالش‌های فراروی دانش‌آموزان در حال رشد است (بیرمن و همکاران، ۲۰۱۶). اجتماعی شدن فرایندی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مطلوب شناخته شود (شالیو^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). در این فرآیند، اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران، یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد اجتماعی به خصوص در بین دانش‌آموزان محسوب می‌شود (کالداریلا^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). آموزش در مورد سبک‌های مطلوب و بهینه والدین و ایجاد زود هنگام شیوه‌های موثر، هر دو برای سازگاری اجتماعی و موفقیت نوجوانان مهم هستند. در بسیاری از شرایط، اتخاذ یک سبک والدین اقتدارپذیر و انعطاف‌پذیر، بیشترین تاثیر را برای رشد اجتماعی، شناختی، اخلاقی و عاطفی نوجوانان دارد. با این حال، تحقیقات در زمینه تعامل والدین و کودک یابد همچنان ادامه یابد تا ارزیابی شود؛ در مطالعه‌ای که توسط مونیکا^۴ (۲۰۱۸) صورت گرفت نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری تاثیر مثبت و قابل توجهی در رشد اجتماعی نوجوانان دارد. سبک‌های فرزندپروری در واقع به ترکیب استراتژی‌هایی که برای رشد فرزند خود اتخاذ کرده‌اید اشاره دارد. این سبک‌ها را می‌توان برحسب دو عامل محبت و کنترل پدر و مادر به چهار دسته تقسیم کرد: سبک مستبدانه: والدین دارای سبک مستبد برای انضباط ارزش خیلی زیادی قائلند. قوانین سخت گیرانه‌ای وضع می‌کنند و سعی می‌کنند کنترل خیلی بالایی بر کودک داشته باشند. در عوض این والدین اهمیت کمتری به احساسات و هیجانات کودک می‌دهند صمیمیت عاطفی کمتری با کودک ایجاد می‌کنند. سبک سهل گیرانه: والدین دارای سبک سهل گیرانه بیشتر اجازه می‌دهند کودک هر کاری دوست دارد انجام دهد و هدایت و جهت دهی کمتری نشان می‌دهند. آن‌ها با کودک خود بیشتر شبیه دوست هستند تا والد. این والدین معمولاً خیلی ملایم و بامدارا هستند. سبک فرزندپروری طردکننده: والدین طردکننده درگیری کمی با کودک خود دارند. به عبارتی خیلی کاری به کار کودک خود ندارند. آن‌ها زمان خیلی کمی را با کودک خود می‌گذرانند. این والدین اطلاع کمی نسبت به وضعیت کودکشان دارند. آن‌ها قوانین تربیتی زیادی نمی‌گذارند. کودکان آن‌ها نه تنها هدایت زیادی دریافت نمی‌کنند، بلکه رقبت و توجه زیادی هم نمی‌گیرند. به عبارتی والدین طردکننده انتظار دارند کودکان خودشان بزرگ شوند. سبک فرزندپروری مقتدرانه: والدین دارای سبک مقتدر، تلاش زیادی برای ایجاد و حفظ یک رابطه مثبت با کودکشان می‌کنند. آن‌ها در تربیت کودک قانون وضع می‌کنند و پیامد عدم رعایت قوانین را اجرا می‌کنند. اما احساسات کودک را در هر موقعیت در نظر می‌گیرند. حیرت (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که طرحواره‌های ناسازگار^۵ ممکن است مانع استفاده موثر از مهارت‌های اجتماعی شود از این رو لازم است در کنار آموزش مهارت‌های اجتماعی، طرحواره‌های ناسازگار نیز بهبود یابد. رشد طرحواره اغلب به دوران کودکی باز می‌گردد. مطابق نظر یانگ^۶ (۱۹۹۹) بعضی افراد به خاطر تجارب کودکی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را ایجاد می‌کنند که بر شیوه تفکر، احساس و رفتار آنها در روابط صمیمانه

¹ koero

² Shalio

³ Caldarella

⁴ Monica

⁵ Incompatible schemas

⁶ Young



بعدی و سایر جنبه های زندگی شان تاثیر می گذارد. طرحواره های ناسازگار اولیه به علت ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی، نیازهای بنیادینی؛ همچون دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، آزادی در بیان نیازها و هیجان های سالم، خودانگیختگی و محدودیت های واقع بینانه به وجود می آیند. (تیم^۱، ۲۰۱۰). این طرحواره ها در عمیق ترین سطح شناخت، معمولاً بیرون از سطح آگاهی عمل می کنند و فرد را به لحاظ روان شناختی نسبت به ایجاد آشفستگی هایی چون افسردگی، اضطراب، ارتباطات ناکارآمد، اعتیاد و اختلالات روان تنی آسیب پذیر میسازند. طرحواره مطرح شده توسط یانگ با توجه به پنج نیاز هیجانی ارضا نشده، به پنج حوزه: بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت های مختل دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری تقسیم می شود زمانی که این طرحواره ها فعال می شوند، می توانند بر ادراک، واقعیت و پردازش شناختی فرد اثر بگذارند. در این سیر، تحقیقات کنونی مشخص ساخته اند که طرحواره ها بر شیوه های پردازش شناختی اثرگذار بوده، فرد را نسبت به آسیب های روانی آسیب پذیر می سازد. یانگ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرحواره های ناسازگار در افراد به تجربه رویدادهای منفی در زندگی منجر می شود و حضور چنین رویدادهایی در روابط بین فردی، باعث احساس فشار روانی بیش از حد و نارضایتی از روابط بین فردی می شود (رضاییان، ۱۳۹۵). در تحقیقی که توسط شاور^۲ (۲۰۱۴) صورت گرفت نتایج نشان داد که طرحواره ناسازگار شکست ارتباط منفی با احساس اعتماد و قابل پیش بینی بودن شریک داشت و بد رفتاری و بی اعتمادی به طور مستقیم با قابلیت اطمینان شریک رابطه داشت. افرادی که دارای طرحواره های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی یا نقص بودند کمتر به شریک خود ایمان داشتند و طرحواره ناسازگار نقص به طور مستقیم و منفی بر زندگی، رضایت، محبت و به طور کلی بر کلیه مهارت های اجتماعی اثر داشت. لذا در پژوهش حاضر محقق بر آن است که مهارت های اجتماعی نوجوانان بر اساس سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار والدین آنها را پیش بینی کند.

روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه نوجوانان (۱۲ تا ۱۷ سال) شهر تهران تشکیل می دهند که از این بین ۱۰۰ نوجوان که در سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیلی هستند به صورت نمونه گیری خوشه ای به این صورت که ابتدا شهر تهران به ۲ قسمت شمال و جنوب تقسیم می شود و سپس از هر منطقه ۵ مدرسه انتخاب می شود و در مرحله بعد از هر مدرسه ۲ کلاس انتخاب می شود و در مرحله آخر از هر کلاس ۵ دانش آموز به صورت تصادفی انتخاب خواهند شد و پرسشنامه ها با رضایت کامل دانش آموزان بین آنها توزیع می شود. ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه مهارت های اجتماعی نوجوانان ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲)، فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۸۸) و پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) بود.

پرسشنامه مهارت های اجتماعی نوجوانان ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲): پرسشنامه مهارت های اجتماعی نوجوانان (TISS) توسط ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) ساخته شده است که از ۳۹ گویه و ۲ خرده مقیاس رفتارهای اجتماعی مطلوب (۲۰ سوال) و رفتارهای غیر اجتماعی (۱۹ سوال) تشکیل شده است که به منظور بررسی میزان مهارت های اجتماعی در نوجوانان بکار می رود. نسخه اصلی این سیاهه دارای ۴۰ عبارت است که یک عبارت به دلیل عدم انطباق با فرهنگ ایران حذف شد (عبارت شماره ۲۲). نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۶ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «اصلاً درست نیست»، «خیلی کم درست است»، «کمی درست است»، «تاحدی درست است»، «بیشتر اوقات درست است»، «همیشه درست است» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲، ۳، ۴

¹ Thimm

² shaver



و ۵ در نظر گرفته می شود. اعتبار این سیاهه توسط ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) ۰/۹۰ گزارش شده است. روایی همگرایی پرسشنامه مهارت اجتماعی ایندربیتزن و فوستر به شیوه های مختلف مانند مقایسه آن با طلاعات ارزیابی خویشتن، ارزیابی همسالان و داده های جامعه سنجی و روایی تشخیص آن بوسیله بررسی همبستگی بین نمرات مهارت های اجتماعی و مطلوبیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و دیگر ابزارهای مداد کاغذی به وسیله ایندربیتزن و فوستر مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج به دست آمده، دلالت بر روایی همگرا و روایی تشخیص قابل قبول این پرسشنامه بوده است. پایایی این پرسشنامه را امینی (۱۳۷۸) در شهر تهران برای دانش آموزان دوم راهنمایی برای گزاره های مثبت و منفی به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۶۸ ذکرش کرده است. ارجمندی (۱۳۸۳) با استفاده آلفای کرونباخ پایایی این پرسشنامه ۰/۸۴ به دست آورده است. پایایی این پرسشنامه که توسط ایندربیتزن و فوستر طراحی شده است برای سنجش بخش منفی ۰/۷۲ بوده و ثبات درونی ۰/۸۸ گزارش شده است (فاضلی، ۱۳۹۹).

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ: پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه (فرم کوتاه) یک پرسشنامه ۷۵ آیتمی که توسط یانگ (۱۹۸۸) برای ارزیابی پانزده طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شد. این پانزده طرحواره عبارتند از: ۱- محرومیت هیجانی، ۲- طرد/ رهاشدگی، ۳- بی اعتمادی/ بد رفتاری، ۴- انزوای اجتماعی، ۵- نقص/شرم، ۶- شکست، ۷- وابستگی/ بی کفایتی، ۸- آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، ۹- گرفتاری/ در دام افتادگی، ۱۰- اطاعت، ۱۱- ایثار، ۱۲- بازداری هیجانی، ۱۳- معیارهای نامعطف، ۱۴- استحقاق و ۱۵- خویشتن داری و خود انضباطی ناکافی. این ۱۵ طرحواره در درون ۵ حوزه مطابق با حوزه های تحولی اولیه قرار می گیرند. که برای پاسخ خود از یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای استفاده کنند. روایی این ابزار در پژوهش آقاییوسفی و لی پور (۱۳۸۹) مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۴) در دانشگاه های تهران انجام گرفته است. همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷٪ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸٪ بدست آمده است (همتا و همکاران، ۱۳۹۵).

پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۳): پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزند پروری بامریند که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۲۸، ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ به شیوه ی سهل گیرانه و جمله های شماره های ۲۶، ۲۵، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲۰، ۲۹ به شیوه ی استبدادی و جمله های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵، ۴ به شیوه ی قاطع واطمینان بخش مربوط می باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد د سوالات نمره مجزا بدست می آید.

روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است بوری (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار وروایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری دارد و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت. این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است (عسگری، ۱۳۹۶).

همچنین لازم به ذکر است در این پژوهش به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر یک از متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان از پایایی برای هر یک از ابزار داشت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در بخش استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) انجام پذیرفت.



یافته‌ها

در بخش اول داده‌ها از لحاظ توصیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. توصیف آماری داده‌های پژوهش در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: توصیف آماری متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	آماره میانگین	آماره انحراف استاندارد	آماره واریانس	آماره چولگی	آماره کشیدگی
سبک فرزندپروری	4.19	0.254	0.065	0.743	-1.22
طرح‌واره‌های ناسازگار یانگ	4.22	0.241	0.058	0.299	-1.80
مهارت‌های اجتماعی نوجوانان	4.21	0.236	0.056	0.368	-1.75

در بخش دوم، برای بررسی آزمون نرمالیتی، از آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و پس از تایید نتایج آن، به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد:

فرضیه اول پژوهش: بین مهارت‌های اجتماعی نوجوانان با سبک فرزندپروری والدین رابطه وجود دارد.

برای بررسی این رابطه، از همبستگی اسپیرمن استفاده شد نتایج در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: رابطه همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی نوجوانان با سبک فرزندپروری والدین

متغیرهای تحقیق	مهارت‌های اجتماعی
سبک فرزندپروری	۰,۹۱۴**

** نشان دهنده معنی داری در سطح کمتر از ۰,۰۱.

براساس همبستگی اسپیرمن می‌توان بیان داشت که ارتباط بین سبک فرزندپروری و مهارت‌های اجتماعی وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می‌توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با سبک فرزندپروری والدین را با استفاده از مهارت‌های اجتماعی مورد پیش بینی قرار داد.

جدول ۳: آزمون واریانس مرتبط با فرضیه اول

آزمون واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	4.619	1	4.619	500.654	0
پسماند	0.904	98	0.009		
کل	5.523	99			

با توجه به آزمون واریانس می‌توان گفت که ارتباط بین سبک فرزندپروری و مهارت‌های اجتماعی در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنی دار بود و می‌توان به رابطه تخمینی بین این دو متغیر اعتماد کرد.



جدول ۴: آزمون رگرسیون برای فرضیه اول

سطح معنی داری	آماره t	بتا استاندارد	انحراف خطا	بتا غیراستاندارد	آزمون رگرسیون
0	4.07		0.159	0.649	مقدار ثابت
0	22.38	0.914	0.038	0.85	سبک فرزندپروری

براساس فرضیه اول تحقیق رابطه رگرسیونی نشان می دهد که بین سبک فرزند پروری و مهارت های اجتماعی ارتباط معنی داری وجود دارد و سبک های فرزند پروری می تواند با مهارت های اجتماعی اثرات معنی داری را ایجاد کند و ضریب اثرگذاری بین این دو متغیر برابر با ۰,۸۵ بود که در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنی دار بود.

فرضیه فرعی دوم پژوهش: بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین رابطه وجود دارد.

برای بررسی این موضوع از همبستگی اسپیرمن استفاده شد. جدول زیر نشان دهنده نتایج همبستگی اسپیرمن برای این موضوع بود.

جدول ۵: رابطه همبستگی بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین

متغیرهای تحقیق	طرحواره های ناسازگار والدین
مهارت های اجتماعی نوجوانان	۰,۹۱

** نشان دهنده معنی داری در سطح کمتر از ۰,۰۱

براساس همبستگی اسپیرمن می توان بیان داشت که ارتباط بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با مهارت های اجتماعی نوجوانان را با استفاده از طرحواره های ناسازگار اولیه مورد پیش بینی قرار داد.

جدول ۶: آزمون واریانس مرتبط با فرضیه دوم

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربع	درجه آزادی	مجموع مربعات	آزمون واریانس
0	469.231	4.569	1	4.569	رگرسیون
		0.01	98	0.954	پسماند
			99	5.523	کل

با توجه به آزمون واریانس می توان گفت که ارتباط بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنی دار بود و می توان به رابطه تخمینی بین این دو متغیر اعتماد کرد.



جدول ۷: آزمون رگرسیون برای فرضیه دوم

معنی سطح داری	آماره t	بتا استاندارد	انحراف خطا	بتا غیراستاندارد	آزمون رگرسیون
0.118	1.578		0.181	0.286	مقدار ثابت
0	21.662	0.91	0.043	0.924	طرح واره های ناسازگار اولیه

براساس فرضیه اول تحقیق رابطه رگرسیونی نشان می دهد که بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین ارتباط معنی داری وجود دارد و مهارت های اجتماعی نوجوانان می تواند با طرحواره های ناسازگار والدین اثرات معنی داری را ایجاد کند و ضریب اثرگذاری بین این دو متغیر برابر با ۰٫۹۲ بود که در سطح کمتر از ۰٫۰۵ معنی دار بود.

فرضیه سوم پژوهش: براساس طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را پیش بینی کرد.

برای این منظور از همبستگی اسپیرمن استفاده شد. جدول زیر نشان دهنده نتایج همبستگی اسپیرمن برای توانایی ایجاد پیش بینی بود.

جدول ۸: ارتباط فرضیه سوم تحقیق

متغیرهای تحقیق	طرحواره های ناسازگار والدین	سبک های فرزندپروری
مهارت های اجتماعی نوجوانان	۰٫۹۱۴	۰٫۹۱۰

براساس همبستگی اسپیرمن می توان گفت طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را پیش بینی کرد، این پیش بینی نشان می دهد که طرحواره های ناسازگار والدین با توانایی پیش بینی ۹۱ درصد و همچنین سبک های فرزند پروری با توانایی پیش بینی ۹۱ درصد می توانند مهارت های اجتماعی را پیش بینی نمایند.

جدول ۹: آزمون واریانس مرتبط با فرضیه سوم

آزمون واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	5.012	2	2.506	475.125	۰٫۰۰۰
پسماند	0.512	97	0.005		
کل	5.523	99			

با توجه به آزمون واریانس می توان گفت که طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را تعیین کرد و این رابطه در سطح کمتر از ۰٫۰۵ معنی دار بود و می توان به رابطه تخمینی بین این متغیرها اعتماد کرد.



جدول ۱۰: آزمون رگرسیون برای فرضیه سوم

آزمون رگرسیون	بتا غیراستاندارد	انحراف خطا	بتا استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	0.134	0.134		0.994	0.323
سبک فرزندپروری	0.476	0.052	0.512	9.161	0
طرح واره های ناسازگار یانگ	0.49	0.057	0.482	8.628	0

براساس فرضیه اول تحقیق رابطه رگرسیونی نشان می دهد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین با مهارت های اجتماعی نوجوانان ارتباط معنی داری وجود دارد و سبک های فرزند پروری می تواند با مهارت های اجتماعی اثرات معنی داری را ایجاد کند و ضریب اثرگذاری بین این دو متغیر برابر با ۰,۴۹ بود که در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنی دار بود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به فرضیه اول که بیان داشت بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با سبک فرزند پروری والدین رابطه وجود دارد:

یافته های مطالعه نشان داد که ارتباط بین سبک فرزندپروری و مهارت های اجتماعی وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با سبک فرزند پروری والدین را با استفاده از مهارت های اجتماعی مورد پیش بینی قرار داد. برای تحلیل در این خصوص می توان گفت که مهارت های اجتماعی نوجوانان به عنوان مجموعه رفتارهای آموخته شده ای است که فرد را قادر می سازد با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش های نامعقول اجتماعی خودداری کند، می تواند با سبک فرزندپروری والدین در ارتباط باشد. همکاری مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال هایی از این نوع رفتار است که با سبک فرزندپروری در ارتباط قرار می گیرد. مهارت اجتماعی در ارتباط با سبک های فرزندپروری مجموعه رفتارهای آموخته شده ای است که فرد را قادر می ساخت با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش های نامعقول اجتماعی خودداری کند و این برای نوجوانان در سبک های فرزندپروری دارای ضرورت می باشد. همانطور که گفته شد آموزش مهارت های اجتماعی با سبک های فرزندپروری والدین با ایجاد همکاری مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال هایی از این نوع رفتار است. یافته های مطالعه با نتایج مطالعات کارمیر و همکاران (۲۰۱۸) و قاسمی و شریفی (۱۳۹۶) همخوانی داشت. این مطالعات نشان دادند که بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با سبک فرزند پروری والدین رابطه وجود دارد.

با توجه به فرضیه دوم که بیان داشت بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین رابطه وجود دارد:

یافته های مطالعه نشان داد که ارتباط بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین وجود داشت و ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۹۱ درصد بود. به عبارتی می توان انتظار داشت که بتوان تغییرات مرتبط با مهارت های اجتماعی نوجوانان را با استفاده از طرحواره های ناسازگار اولیه مورد پیش بینی قرار داد. برای تحلیل در این خصوص می توان گفت که معمولا مشکلات مهارت های اجتماعی در نوجوانان با طرح واره های ناسازگار اولیه به صورت عدم توانایی - در دوست یابی و حفظ دوستی، رفتارهای اجتماعی نامطلوب، عدم رعایت فاصله بین فردی، عدم توانایی رعایت نوبت در گفتگو، عدم توانایی در پردازش و تفسیر سرخ های دیداری بروز می یابد. در واقع نوجوانانی که طرح واره های ناسازگار اولیه دارند، همانند همسالان عادی شان قادر به



دوست یابی و حفظ دوستی نیستند و مهارت های اجتماعی کمتری را ایجاد می کنند و این دو به هم مرتبط هستند. یافته های مطالعه با نتایج مطالعات زکایی فر و موسوی زاده (۱۳۹۹) و ویلهلم (۲۰۱۷) همخوانی داشت. این مطالعات نشان دادند که بین مهارت های اجتماعی نوجوانان با طرحواره های ناسازگار والدین رابطه وجود دارد.

با توجه به فرضیه سوم که بیان داشت براساس طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را پیش بینی کرد:

یافته های مطالعه نشان داد که طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را پیش بینی کرد، این پیش بینی نشان می دهد که طرحواره های ناسازگار والدین با توانایی پیش بینی ۹۱ درصد و همچنین سبک های فرزند پروری با توانایی پیش بینی ۹۱ درصد می توانند مهارت های اجتماعی را پیش بینی نمایند. برای تحلیل در این خصوص می توان گفت که سبک های فرزندپروری به معنی در نظر گرفتن والدین به عنوان عامل تغییر در زندگی نوجوان و رفع مشکلات آنها می باشد، والدین مراقب، آموزش دهنده، تربیت کننده، مدیر و عامل تغییر و اجتماعی کردن نوجوانان هستند و بر سطح طرح واره های ناسازگار اولیه اثرگذار هستند. معمولاً این والدین هستند که بیشترین تأثیر را در روابط نوجوانان با همسالانش دارند و آنها هستند که تعیین می کنند چه رفتارهایی باید تشویق، تحمل یا نفی شود. یافته های مطالعه با نتایج مطالعات قاسمی و شریفی (۱۳۹۶) و زکایی فر و موسوی زاد (۱۳۹۹) همخوانی داشت. این مطالعات نشان دادند که براساس طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزند پروری والدین می توان میزان مهارت های اجتماعی نوجوانان را پیش بینی کرد.

هر پژوهش محدودیت هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت هایی از جمله نوع ابزار اندازه گیری که محدود به پرسشنامه ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه های شرکت کننده در پژوهش که صرفاً تعدادی محدودی از نوجوانان شهر تهران بوده اند. با توجه به برجسته بودن نقش سبک فرزندپروری والدین و طرحواره های ناسازگار والدین در پیش بینی مهارت های اجتماعی نوجوانان، پیشنهاد می شود دوره های آموزشی و مشاوره های فردی برای والدین نوجوانانی که دچار نقص در مهارت های اجتماعی هستند برگزار گردد تا با آموزش سبک های فرزندپروری مناسب و درمان طرحواره های ناسازگار آنان، بتوان به تقویت مهارت اجتماعی نوجوانان یاری رساند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



منابع

- رضاییان، مریم. (۱۳۹۵). رابطه مهارت های اجتماعی و طرحواره های ناسازگار اولیه با تنظیم هیجانی در زوجین متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد شاهرود
- زکایی فر، آرزو؛ موسوی زاده، توکل. (۱۳۹۹). نقش سبک های فرزند پروری والدین در پیش بینی رشد اجتماعی کودکان پیش دبستان ۵ و ۶ ساله. فصلنامه پژوهش های روانشناسی اجتماعی، دوره ۱۰، شماره (۳۷)، صفحه: ۱۰۰-۸۷.
- قاسمی، ثریا؛ شریفی، کبیر. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نوجوانان دارای گرایش به رفتارهای پرخطر و نوجوانان عادی. مجله رویش روانشناسی، دوره ۶، شماره (۴)، صفحه: ۷۲-۴۵.
- عسگری، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و اضطراب اجتماعی با سبک فرزندپروری ادارک شده در دختران دوره دوم متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد شاهرود
- فاضلی، مهدیه السادات. (۱۳۹۹). رابطه میان گرایش به ورزش و مهارت های حرکتی با مهارت های اجتماعی در نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد شاهرود.
- همتا، امیر؛ کاظم نژاد، انوشیروان؛ غلامی، محمد؛ فکری، نازنین؛ ابوالفتحی، معصومه. (۱۳۹۵). شناسایی طرحواره های ناسازگار اولیه براساس پرسشنامه یانگ در دختران دبیرستانی شهر قم. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره دهم، شماره (۹)، صفحه: ۴۳-۳۵.
- حیرت، عاطفه. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش تلفیقی مهارت های اجتماعی و طرحواره درمانی بر ترس از صمیمیت زنان مراجعه کننده به کلینیک های شهر کرج. مجله علوم شناختی، دوره نوزدهم، شماره (۸۹)، صفحه: ۵۵۹-۵۵۳.
- Biermann, J., Franze, M., & Hoffmann, W. (2016). Prevalence and risk factors of developmental risks in the domain of social skills of 3 to 6 year old children in day-care center. *Journal of Interprofessional Education & Practice*, 1, 58-72
- Caldarella, P., Larsen, R. A., Williams, L., Wehby, J. H., Wills, H., & Kamps, D. (2016). Monitoring Academic and Social Skills in Elementary School A Psychometric Evaluation of the Classroom Performance Survey. *Journal of Positive Behavior Interventions*, 1098300716665081 .
- Coiro, M. J., Kotchick, B. A., & Preis, J. (2016). Youth social skills groups: A training platform for promoting graduate clinician interprofessional competence. *Journal of Interprofessional Education & Practice*, 4, 89-92
- Cormier, A, Jourda, B, Laros, C, Walburg, V, & Callahan, S. (2018). Influence between early maladaptive schemas and depression. *L'Encéphale*, Article in Press, Corrected Proof
- shalev, r. a., gordillo, m., sullivan, k., chen, b., doggett, r. (2016). 1.25 the relationship between parent and child characteristics among families receiving a caregiver-mediated social skills intervention for autism. *Journal of the american academy of child & adolescent psychiatry*, 55(10), s107-s108 .
- Shaver, P. R. (2014). Attachment as an organizational framework for research on close relationship. *Psychological inquiry*, 5, 1-22.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41 (4), 373-380.



Wilhelm, K.(2017). The relationship between interpersonal sensitivity, anxiety disorders and major depression. Journal of Affective Disorders, 79, 33-41.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Prediction of adolescent social skills based on parenting styles and incompatible schemas of parents

Hasan Shahvarooghi Farahani¹

Abstract

The purpose of the current research is to predict the social skills of adolescents based on parenting styles and incompatible patterns of parents. The statistical population of the present study consists of all adolescents (12 to 17 years old) of Tehran city, of which 100 adolescents are engaged in studies in the academic year of 1400-1999 in the form of cluster sampling in such a way that first, Tehran city is divided into 2 parts. North and South are divided and then 5 schools are selected from each region and in the next stage 2 classes are selected from each school and in the last stage 5 students are randomly selected from each class. The research findings showed that there was a relationship between parenting style and social skills and the correlation coefficient between these two variables was 91%. In other words, it can be expected that changes related to parenting style of parents can be predicted by using social skills. There was a relationship between the social skills of adolescents and the incompatible schemas of parents, and the correlation coefficient between these two variables was equal to 91%. In other words, it can be expected to be able to predict the changes related to the social skills of adolescents using the initial maladaptive schemas.

Key words: social skills, parenting styles, maladaptive schemas

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Master of Educational Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran (Hassanfarahani@hotmail.com)